

ویژگیهای

رفتاری

کودکان

دبستانی

(۳)

• میر سعید حسینی

آموزش و پرورش در دوره ابتدایی از اهمیت و حساسیت ویژه‌ای برخوردار است و هنگامی مربی در کار تربیتی خود توفیق حاصل می‌نماید که دارای شناخت کافی از روحیات دانش‌آموزان و اصول و مبانی تربیتی مختص این دوره باشد. در این رابطه باید گفت: «آغاز آشنایی با قوانین و مقررات» از جمله پایه‌های تربیتی در دوره ابتدایی می‌باشد.

دکتر لطف آبادی در مقاله‌ای تحت عنوان (بهداشت روانی کودکان در مدرسه) می‌نویسد: اولین مشکل کودکان دبستانی، «مسئله ورود به مدرسه» می‌باشد و از آن جمله خو گرفتن با فضای جدید کار و زندگی در مدرسه، پذیرش نظم و انضباط و مقررات و تغییر عادات کودکان به گونه‌ای که متناسب با تقاضاهای آموزش مدرسه و فهم مواد درسی باشد.

بنابراین مشاهده می‌شود در دو روز اول مدرسه کمی به کودکان سخت می‌گذرد. بدین جهت اغلب مادران اظهار می‌دارند که فرزندانشان در طی این روزها کمی نگران و بی‌اشتیاق به نظر می‌رسند، چرا که دستورات مدیر، معاون، معلم، مربی و کتابهای درسی همگی در زمره ضوابط و مقرراتی است که در پیش روی آنان قرار می‌گیرند. در دبستانها کودک را از همان روز اول ورود مجبور به اطاعت از مقرراتی که اولیای آموزشگاه وضع کرده‌اند می‌کنند و چون همه در یک اطاق باید بنشینند و آموزگار به همه آنها باید توجه داشته باشد. لذا مراقبت فردی کم‌کم فراموش می‌شود.

حروف الفبا روی تخته نوشته می‌شود و همه باید به آن نگاه کنند و در آن واحد بنویسند. داستان برای همه گفته می‌شود و همه باید به آن گوش دهند. همه باید مداد بدست بگیرند و تصویری را بکشند و دیگر میل شخصی در این کار دخالت ندارد. کودک در مدت ۴۵ دقیقه باید روی صندلی بنشیند و به تخته سیاه نگاه کند یا به معلم گوش دهد و یا بنویسد. همچنین کودکان قوانین و مقررات حاکم بر مدرسه خود از قبیل به زبان رسمی صحبت کردن، انجام تکالیف مدرسه، رفتار اجتماعی خاص مدرسه را به اجرا می‌گذارند و مقررات زیاد دیگری نیز وجود دارد که کودکان باید آنها را فرا گرفته و بپذیرند. البته لازم به یادآوریست که هر چه ارتباط بین خانه و مدرسه بر پایه‌ای محکم استوار باشد، زمینه‌ساز فراگیری قوانین برای کودک فراهم گردیده و آنچه که آموزگاران و مربیان در کلاسهای مختلف سعی به آموزش آن دارند به خوبی انجام می‌گیرد.

برخی معتقدند از جمله تفاوت‌های بین این دوره و دوره پیش دبستانی این است که دوره کودکان تا اندازه قابل توجهی طعم و رنگ خانواده را دارد و مقررات به غلظت دوره‌های بعد نیست به عنوان مثال در دوره دبستان تبعیت کودک از قوانین و مقررات موجب ایجاد تغییر کلتی در رفتار کودک می‌شود. به هر حال یکی از اثرات مدرسه بر کودکان این است که قوانین بر رفتار کودکان حاکم می‌شود و یادگیری مقررات باعث تغییر در ذهن کودک می‌گردد. البته رفتارهایی که کودک در قبایل قوانین و مقررات از خود بروز می‌دهد رفتارهایی است که می‌تواند هم جنبه عمل ارادی و هم جنبه بازخوردی و عکس‌العملی داشته باشد. برخی از مربیان کودکان بر این باورند که «بازبها» نیز در این زمینه نقش حساسی را ایفا می‌کنند. بازی در این دوره مانند

*** آغاز آشنایی با قوانین و مقررات از جمله پایه‌های تربیتی در دوره ابتدایی می‌باشد.**

زردن است.

آموزگاران و مربیان هر مدرسه به خوبی می‌دانند که هر کودکی برای آن که به شخص مفید و قابل استفاده‌ای مبتدل شود باید احساس پیروی از قوانین و مقررات را در خود ایجاد نماید اما این معلمین به تجربه در یافته‌اند که نظم و انضباط چیزی نیست که بتوان آن را به کودک تزریق و تحمیل کرد بلکه چیزی است که باید در درون کودک بوجود آید و این بسته به آن است که کودک در درجه اول: منظور و هدف اصلی کار خود را بفهمد و ثانیاً در انجام آن، مسئولیت خود را نسبت به دیگران درک نماید. موفقیت کودکان در رعایت قوانین و مقررات نیز امری بسیار در خور توجه است و این موفقیت مستلزم میزان آگاهی کودک می‌باشد که با انجام یک کار مشخص و مثبت احساس خود کفایی می‌نماید.



دوره‌های قبلی رشد، همچنان از جایگاه خاص خود برخوردار است و عامل مهمی در رشد جسمی، روانی و اجتماعی کودک شمار می‌رود. بازی کودک را برای زندگی بزرگسالی آماده می‌کند و ضمن ایفای یک نوع تمرین بدنی توأم با شادی به رشد شخصیت کودک کمک می‌کند. بنابراین بازی، خود مدرسه بزرگی است که کودک در آن تربیت می‌شود و بهتر بگوییم «تربیت اجتماعی»، زیرا در بازیهاست که کودکان رقابت و همکاری درست، احترام به حقوق دیگران، رعایت نظم و انضباط و اطاعت از قانون و سایر صفات اجتماعی را فرا می‌گیرند.

در سنین دبستان در روابط کودکان با یکدیگر، با بدران و مادران و با بزرگسالان دگرگونیهای فراوانی به وجود می‌آید. این

دوره از لحاظ رشد اجتماعی و سازگاری کودک در آینده آن چنان دارای اهمیت است که باید آن را «مرحله اصلاح و تصحیح رفتار اجتماعی کودکان» نامید؛ زیرا در مدرسه رفتار اجتماعی کودک به مواردی مانند: «اظهاریت، سکوت، آرامش، اجازه گرفتن، مسخره نکردن، به گفته‌های دیگران گوش فرا دادن و منافع گروه را مقدم شمردن اطلاق می‌شود. البته همکاری کودک به معنای رعایت مقررات و انضباط مدرسه، شرکت جستن با کودکان در برنامه‌های گروهی، سر وقت حاضر شدن، رفتار منصفانه داشتن و در بازی جر

*** بازی، خود مدرسه بزرگی است که کودک در آن تربیت می‌شود و بهتر بگوییم «تربیت اجتماعی»، زیرا در بازیهاست که کودکان رقابت و همکاری درست، احترام به حقوق دیگران، رعایت نظم و انضباط و اطاعت از قانون و سایر صفات اجتماعی را فرا می‌گیرند.**

• منابع

- ۱- فصلنامه تعلیم و تربیت - سال سوم - شماره ۳ و ۴ - صفحه ۲۸
- ۲- جلالی، مهدی، روانشناسی کودک، چاپ دهم، ص ۳۱۰
- ۳- شعاری‌نژاد، علی اکبر، روانشناسی رشد، ص ۱۴۳
- ۴- پارسا، محمد، روانشناسی رشد کودک، چاپ اول، ص ۱۴۲